

نوع مقاله: ترویجی

حقیقت خوف و رجا از منظر آیت‌الله مصباح یزدی و آثار تربیتی آن دو

sm.hoseini@cfu.ac.ir

سیدمهدی حسینی / استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

چکیده

دو عنوان «خوف و رجا» از معروف‌ترین عناوین در معارف اسلامی هستند که در فارسی به «ترس و امید» ترجمه شده است. خوف و رجا در رفتار انسان تأثیر اساسی دارند و اغلب رفتارهای انسان بر پایه خوف و رجا شکل می‌گیرند. مسئله پژوهش، چیستی خوف و رجا و آثار تربیتی آن دو است. تبیین و تفهیم حقیقت خوف و رجا و بیان آثار تربیتی آن، به مریبان تربیت دینی کمک می‌کند در تربیت متربیان خود از سازوکار رفتاری خوف و رجا در انسان استفاده کنند. حقیقت خوف و رجا با روش توصیفی - تحلیلی در آثار آیت‌الله مصباح یزدی مورد بررسی قرار گرفت. از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی همه رفتارهای انسان براساس سه انگیزه اصلی: حب بقا و حب کمال و حب لذت شکل می‌گیرند. انسان پیوسته دنبال بقا و کمال و لذت است و با موانع این سه نیز همواره مبارزه می‌کند. انسان دوست دارد منافع را به دست آورد و خود را از ضرر نگهدارد و براین اساس خوف و رجا در انسان شکل می‌گیرند. خوف آثاری مثل تقوای الهی، ترک جاه‌طلبی، ایمنی در مقابل وسوسه‌های شیطان و هوای نفس دارد و رجا نیز آثاری مثل تلاش و اشتیاق عمل صالح و توبه و بازگشت به سوی خدا دارد.

کلیدواژه‌ها: آیت‌الله مصباح یزدی، خوف، رجا، ترس، امید، تربیت، انسان.

مقدمه

بحث خوف و رجا، دارای ابعاد فلسفی، اخلاقی، کلامی و تربیتی است. *آیت‌الله مصباح یزدی* که در همه ابعاد ذکر شده برای خوف و رجا تسلط کاملی داشتند، بهتر می‌توانند به این سؤال پاسخ دهند که حقیقت خوف و رجا چیست و آثار تربیتی خوف و رجا چه مواردی هستند؟ در بررسی پیشینه‌های تحقیق به دست آمد که در زمینه خوف و رجا کارهای زیادی انجام شده است؛ اما کارهایی که در مورد نقش و آثار تربیتی خوف و رجا باشد، به دو مورد زیر اشاره می‌شود: مقاله‌های «بررسی آثار تربیتی خوف و رجا از دیدگاه اسلام با تأکید بر قرآن کریم» (رستمی و همکاران، ۱۴۰۰)؛ «تأثیر امیدواری به خدا در سعادت دنیوی و اخروی فرد و عوامل دستیابی به آن» (احمری و غلامحسین نژاد، ۱۳۹۴).

در دو پژوهش مذکور مباحث ارزشمندی در مورد آثار تربیتی خوف و رجا مطرح شده است؛ اما در پژوهش حاضر تمرکز اصلی بر آثار *آیت‌الله مصباح یزدی* است.

در اهمیت و ضرورت این پژوهش همین بس که انسان در بیشتر رفتارهایش براساس خوف یا امید رفتار می‌کند؛ اگر تصورش این باشد که انجام فلان عمل سبب حصول مشکلات و خطرات و امور ناگوار برای او می‌گردد، از آن عمل خودداری و اگر در انجام عملی امید به حصول امور پسندیده و موافق طبع و خواست انسان نباشد، انگیزه انجام آن عمل را ندارد و لذا عمل صالحی محقق نمی‌شود.

جنبه نوآوری این پژوهش، توجه خاص *آیت‌الله مصباح یزدی* در آثار مکتوب و غیرمکتوبی است که از ایشان به‌جای مانده است. نظرات ایشان در این زمینه می‌تواند فصل الخطاب قرار گیرد. سؤال پژوهش این است که: حقیقت خوف و رجا در کلام *آیت‌الله مصباح چیست* و آثار تربیتی آن دو کدام‌اند؟

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. تربیت در لغت

«تربیت» از ریشه ربو به معنای رشد دادن و پرورش دادن و افزایش دادن است (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹، ص ۴۴۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۲۷). علمای صرف معتقدند: تربیت از ریشه ربو و مصدر باب تفعیل است و با توجه به اینکه معتل اللام است، یاء تفعیل در تربیتی حذف شده، و به جای آن تاء در آخر اضافه شده است (حملاوی، ۱۳۱۲ق، ص ۸۱).

آیت‌الله جوادی آملی معتقد است: تربیت از ریشه ربب به معنای مالکیت و تدبیر است و پرورش دادن و رشد دادن و به کمال رساندن نیز از شئون مدبر و مالک است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۲۵، ص ۴۲۰). مرحوم قرشی نیز معتقد است: تربیت مشتق از ربب است (قرشی، ۱۳۷۸، ص ۳۱).

راغب اصفهانی می‌گوید: اصل ربو، ربب بوده که به جهت تخفیف به ربو تبدیل شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۰). با این نظر *راغب اصفهانی*، اختلاف اینکه ریشه تربیت، ربب است یا ربو، برطرف می‌شود؛ و بنا بر آنچه *راغب اصفهانی* گفته است، هر دو نظر که اصل تربیت ربب است یا ربب، درست است.

۱-۲. تربیت در اصطلاح

از نظر *آیت‌الله مصباح یزدی*، مقصود از تربیت «فراهم کردن زمینه‌هایی است برای اینکه استعدادها و نیروهای یک موجود، رشد کند تا بتواند از این نیروها برای رسیدن به کمال خودش بهره‌مند شود» (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۲۷).

۱-۳. مفهوم خوف (ترس)

خوف حالتی است در انسان که در اثر یقین یا ظن به در پیش بودن اتفاق ناخوشایند، پیش می‌آید. پس خوف زمانی اتفاق می‌افتد که انسان نسبت به خطر چیزی نگران باشد و احساس امنیت نکند. مقابل خوف امن است. خوف از خداوند در واقع خوف از رفتار نامطلوب خود شخص است که مجازات مربوطه را در پی خواهد داشت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۰۳؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۵۷؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۱۶۱). *آیت‌الله مصباح یزدی* معتقد است: خوف در اصطلاح حالتی است ناشی از شناخت خدا، به این لحاظ که قادر است نعمت‌های دنیایی را در آینده از ما سلب کند و از نعمت‌های آخرتی محروممان سازد (مصباح یزدی، ۱۳۹۳الف، ص ۱۶۹).

۱-۴. مفهوم رجا (امید)

رجا حالتی است در انسان که در اثر یقین یا ظن به در پیش بودن اتفاق خوشایند، پیش می‌آید که ضد یأس است و در فارسی امید گفته می‌شود. ضمناً اصل رجا، رجو بوده که بر حسب قاعده اعلال به رجا تبدیل شده

کسب منفعت هم انگیزه مهمی برای رفتار مثبت در انسان ایجاد می‌کند؛ هرچند تأثیر ترس در رفتار انسان از امید بیشتر است و برای مؤمن هیچ ضرری بالاتر از ضرر اخروی نیست؛ و ترس از ضرر اخروی هم برای مؤمن بالاترین و در عین حال ارزشمندترین ترس است (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۹).

آن رفتارهایی که به‌صورت اختیاری از انسان سر می‌زند، ناشی از سه قوه شهویه و غضبیه و ناطقه است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، الف، ج ۱، ص ۲۱۳). شهوت و غضب در انسان دو نعمتی هستند که اگر اعتدال در آنها رعایت شود، اثرات مثبت بسیار زیادی نصیب انسان خواهد شد و هر جا مشکلی در زمینه شهوت و غضب پیش می‌آید، به دلیل افراط یا تقریط است. قوه غضبیه در انسان قرار داده شده تا از خود در مقابل خطرات دفاع کند. قوه شهویه در انسان قرار داده شده تا در پی کسب منافع و نیازهای خود باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۵۰).

انسان وقتی به گذشته می‌نگرد عبرت می‌گیرد و سعی می‌کند خود را از خطراتی که متوجه او شده، درس بگیرد و خود را در آینده از خطر مشابه بازدارد. وقتی به آینده بنگرد و خطراتی را در کمین خود ببیند، سعی می‌کند رفتاری از خود نشان دهد که آن خطرات متوجه نشود. همچنین اگر رفتاری را سبب حصول امور خوشایندی در آینده ببیند، سعی می‌کند طوری رفتار کند که به آن امور خوشایند برسد. در اینجا سبب که نقش باور اهمیت زیادی پیدا می‌کند؛ باور به اینکه لذتی در جهان آخرت برای انسان‌های صالح فراهم می‌شود که لذت‌های دنیا در مقابل آن، لذت به حساب نمی‌آید، این انگیزه را در انسان ایجاد می‌کند که برای به‌دست آوردن آن لذت اصیل و جاودانی، لذت گناه را ترک کند (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۴، الف، ج ۲، ص ۱۷۲).

۳. خوف و آثار تربیتی آن

چرا خداوند متعال برای تربیت دینی مردم به‌جای استفاده از روش ترساندن آنها، از روش مناسب دیگری مثل وعده پاداش یا ایجاد امید استفاده نکرده است؟ جواب این است که اولاً خداوند متعال وعده پاداش و بهشت و نعمت‌های بهشتی نیز دارد؛ اما در بیشتر مردم این ترس از عقوبت الهی است که سبب انجام وظایف دینی می‌گردد و اگر ترس از عقوبت نبود، فقط اندکی از مردم به امید ثواب و پاداش الهی به انجام تکالیف می‌پرداختند. پس در زندگی فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی محرک اصلی انسان ترس است؛ که شامل ترس

است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۳۰۹؛ بستانی، ۱۳۷۵، ص ۴۳۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۰۳ و ۳۴۶). آیت‌الله مصباح یزدی معتقد است رجا در اصطلاح حالتی است ناشی از شناخت خدا به این لحاظ که می‌تواند در آینده نیز به اعطای این نعمت‌های دنیایی ادامه دهد؛ از نظر کمی و کیفی آن را بیفزاید و ما را از نعمت‌های بزرگ اخروی نیز برخوردار سازد (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، الف، ص ۱۶۹).

۲. انگیزه‌های اصلی رفتار انسان

همه افعال اختیاری انسان مرهون سه انگیزه اساسی «حب بقا»، «حب کمال» و «حب لذت» است و این سه انگیزه نیز مرهون «حب ذات» در انسان هستند. پس همه افعال اختیاری انسان بر این اساس شکل می‌گیرد که انسان خود را دوست دارد و دنبال تأمین بقا و کمال و لذت خود است. انسان دوست دارد حیاتش دائمی باشد و هر روز کامل‌تر شود و به لذت بیشتری دست پیدا کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، الف، ج ۲، ص ۴۲). براین اساس قرآن کریم نه تنها گرایش به لذت در انسان را تقبیح نمی‌کند؛ بلکه یک سلسله از تعالیم قرآنی مثل وعده به بهشت و ترساندن از عذاب جهنم را براساس این گرایش قرار داده شده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، الف، ج ۲، ص ۱۶۱). پس هر رفتار اختیاری در انسان یا برای به دست آوردن منفعتی است؛ یا برای دفع ضرری؛ و معمولاً انگیزش دفع ضرر، قوی‌تر از انگیزش تحصیل منفعت است. حتی کسی که اقدام به خودکشی می‌کند، این اعتقاد را دارد که با تحمل رنج خودکشی، از رنج موجود رهایی می‌یابد (مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۲۷۶؛ فخررازی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۱-۲۴).

رفتار انسان در راستای بقا و کمال و لذت، گاهی اختیاری است و گاهی ناخودآگاه و غیراختیاری. حتی بدن انسان نیز طوری خلق شده است که بتواند با دشمنان بقا و کمال و لذت خود بجنگد و آنها را از بین ببرد و رو به سمت بقا و کمال و لذت حرکت کند.

احتمال ضرر در آینده سبب می‌شود در انسان حالت انفعالی ترس ایجاد شود و هرچه احتمال ضرر بیشتر باشد، میزان ترس نیز بیشتر می‌شود. مؤمن به ضررهای اخروی اهمیت بیشتری می‌دهد؛ چه اینکه مهم‌ترین عامل رساننده انسان به تکامل، توجه و رفع و دفع عواملی است که ممکن است سعادت اخروی انسان را به‌خطر بیندازد. البته در کنار ترس، نباید از اهمیت امید غافل شد. امید به

یزدی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۵). امیرمؤمنان علیؑ می‌فرماید: «لَا يَرْجُونَ أَحَدًا مِنْكُمْ إِلَّا رَبَّهُ وَ لَا يَخَافَنَّ إِلَّا ذَنْبَهُ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۴۸۲)؛ کسی از شما امیدی به غیر از خدا نداشته باشید و از غیر گناه خود ترسید.

یکی از بهترین گونه‌های خوف از خدا (که تحت عنوان خشیت از آن نام برده شده)، عبارت است از: ترس از مقام و عظمت خداوند همراه با احساس حقارت و کوچکی در مقابل او (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۷). این نوع ترس به علمای ربانی اختصاص دارد: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر: ۲۸)؛ از میان بندگان خدا تنها علما از او خشیت دارند.

برخی از ترس‌ها نیز مذموم هستند؛ مثل ترس افراطی از خدا که به ناامیدی از رحمت خدا منجر می‌شود همچنین ترس افراطی از خدا سبب اختلال نظام زندگی انسان می‌گردد. ترس دیگری که مذموم است، ترس از مرگ است که پیش‌گیری از آن در اختیار ما نیست و اثر مثبت خاصی ندارد و صرفاً انسان را مضطرب می‌کند (گاهی از ترس از مرگ، به‌عنوان ترس ممدوح یاد می‌شود که منظور، ترس از عاقبت انسان بعد از مرگ است؛ و الا ترس از خود مرگ مذموم است). ترس از جنازه و جن که ناشی از غلبه قوه وهم بر عقل است؛ و ترس از موجود ناشناخته؛ ترس از تاریکی؛ ترس از خطر موهوم و غیرمنطقی؛ از انواع ترس مذموم هستند که نقش مثبتی برای انسان ندارند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، الف، ج ۲، ص ۱۴۷؛ نراقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۶).

خلاصه اینکه هرگونه ترسی که انسان را به تلاش مثبت وادارد، آسیب روحی و روانی خاصی نداشته باشد، و منطقی بوده و براساس مقدمات اختیاری باشد، بسیار ارزشمند است. مثلاً ترس از خدا، که ناشی از معرفت و توجه به مقام و قدرت و عظمت و سنت خداست؛ اثر مثبت زیادی دارد و اثر منفی هم ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۹-۱۰؛ همو، ۱۳۹۲، ص ۴۶). آیت‌الله مصباح یزدی در زمینه ترس سازنده می‌فرماید:

ترسی که باعث می‌شود انسان همواره به یاد خدا باشد و با امید به رحمت و بخشایش او به انجام اعمال خیر و جبران کوتاهی‌ها بپردازد؛ بسیار ارزشمند است. اما اگر اندوه و ترس در زندگی نقش منفی داشته باشد و موجب افسردگی، بی‌حوصلگی، گوشه‌گیری، بی‌حرکی و فرسایش جسم و روان شود؛ نامطلوب

از گرفتاری و ترس از دست دادن نعمت است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۶). ثانیاً خداوند که خالق انسان است و به همه جزئیات خلقت احاطه دارد خود بهتر می‌داند که چه روشی برای تربیت انسان مؤثرتر است. براین‌اساس روش انذار یعنی ترساندن مردم را در پیش می‌گیرد. ثالثاً براساس تحقیقات علمی و تجربه‌های عادی مهم‌ترین عامل محرک انسان در بیشتر کارها ترس است؛ و در ۹۰ درصد موارد ترس باعث اقدام به تلاش در انسان می‌شود و ۱۰ درصد از وعده پاداش یا جلب منفعت سرچشمه می‌گیرد. مثلاً در دانش‌آموزان آنچه در تلاش آنها در تحصیل مؤثرتر است، ترس از شکست و مردود شدن و تنبیه و سرزنش پدر و مادر و دیگران است؛ که اگر این ترس در آنها نبود، بیشتر آنها درس نمی‌خواندند و بسیار کم هستند تعداد دانش‌آموزانی که عشق به یادگیری سبب تلاش آنها در یادگیری گردد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۴).

۴. انواع خوف ممدوح

خوف به‌معنای کلی آن، خوف از هرگونه خطرات یقینی و احتمالی پیشرو و قابل پیش‌گیری است که سبب می‌شود حرکت و تلاش برای پیش‌گیری از خطر در انسان ایجاد گردد و همین خوف است که مقدمه اصلی هدایت‌پذیری است. دیگر موارد خوف ممدوح عبارتند از:

۱. خوف از سوء عاقبت که انسان را به سعی و تلاش در جهت حسن عاقبت سوق می‌دهد.
۲. خوف از محرومیت از نگاه و توجه و عنایت خدا که بسیار ارزشمند است و انسان را در جهت حرکت در راستای اطاعت از اوامر الهی و ترک نواهی سوق می‌دهد.
۳. خوف از محرومیت از نعمت و رحمت و پاداش الهی که انسان را به حفظ نعمت و رحمت خداوند سوق می‌دهد.
۴. خوف از عذاب الهی که سبب می‌شود انسان از گناه خودداری کند و البته واضح است که ترک گناه شامل انجام واجب نیز می‌شود.
۵. خوف از مقام و عظمت خداوند نیز از انواع خوف ممدوح بوده و دارای تأثیر مثبت در رفتار انسان است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، الف، ص ۲۳۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۷۱؛ نراقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۵۶).

ترسیدن از خداوند درواقع به این دلیل است که خداوند گناه را کیفر می‌دهد و کسانی که عمداً گناه می‌کنند، دچار عذاب الهی خواهند شد. درواقع آنچه باید اصالتاً از آن بترسیم، گناه است (مصباح

عملی در او حکم به لزوم ترک لذت کند و اراده ترک لذت در او ایجاد گردد. ترس واقعی از عاقبت و ترس از خدا این زمینه را فراهم می‌کند که لذت هر چند قوی را ترک کند. برای اینکه انسان این را تمرین کند که همیشه طبق نظر خداوند رفتار کند و خواست خدا را بر هوای نفس ترجیح دهد و به آن نوع از رفتارها عادت کند، عباداتی مثل روزه تشریح شده است تا مبارزه با هوای نفس را تمرین کند؛ یعنی در طول روز بارها خوردن غذای خوشمزه، یا نوشیدن آب گوارا و دیگر مبطلات روزه را براساس خواست خدا ترک کند؛ همین یکی از بهترین روش‌های تمرین تقوا و خداترسی است.

است... ترس و اندوهی مطلوب است که اولاً، سازنده باشد و انسان را به توبه و جبران کوتاهی‌های گذشته و همت بیشتر بر انجام وظایفش وادارد؛ ثانیاً، ترس و اندوه در بی‌بهره‌گی از دنیا و نعمت‌های آن منحصر نیست؛ و انسان باید بیشتر در برابر محروم گشتن از نعمت‌های ابدی آخرت و گرفتار شدن به عذاب الهی ترسناک و اندوهگین باشد؛ ترس و اندوه او بیشتر باید ناظر به آثار بد و نامطلوب گناهانش که در آخرت نمایان می‌شوند، باشد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۴۶-۴۷).

۵. آثار تربیتی خوف

با توجه به آثار آیت‌الله مصباح یزدی، برخی از آثار تربیت خوف را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۵-۱. حصول تقوا (خودنگهداری)

در اهمیت و جایگاه والای خوف در تربیت انسان همین بس که ملاک ارزش هر فردی به میزان ترسش از خدا تعیین می‌شود؛ چه اینکه خوف سبب تقوا (خودنگهداری) است و تقوا ملاک ارزش انسان است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳)؛ ای مردم شما را از مرد و زن و ملت‌ها و قبایل مختلف خلق کردیم تا یکدیگر را بشناسید و کریم‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست.

ترس از عاقبت و ترس از خطر انسان را وادار می‌کند به اینکه از خودش در مقابل خطر صیانت کند؛ پس تا انسان از چیزی ترسد، تقوا و خودنگهداری معنی پیدا نمی‌کند و این ترس است که انسان را به خودنگهداری از خطر، سوق می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ الف، ص ۴۱).

انسان در هر شبانه‌روز با موقعیت‌های زیادی روبه‌رو می‌شود؛ مثلاً در پیش‌روی او لذتی است که تلاش می‌کند آن را به‌دست آورد، یا تداوم بخشد؛ یا رنجی است که سعی می‌کند آن را دفع یا رفع کند. اما گاهی نیز انسان یک لذت خیلی قوی را ترک می‌کند یا رنجی را بر خود هموار کرده و آن را با جان و دل می‌پذیرد. اینکه انسان لذت خواب شیرین صبحگاهی را ترک کند یا رنج روزه‌داری را بر خود هموار کند؛ رمزش در نوع جهان‌بینی فرد است، که خداترسی را در او ایجاد کرده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۸).

انسان برای ترک لذت قوی نیاز به انگیزه قوی دارد، تا عقل

۵-۲. ترک جاه‌طلبی

اگر در قلبی خوف الهی قرار گیرد، شهرت‌طلبی و حب جاه و حب عنوان از قلب بیرون می‌رود و جاه‌طلبی که از بزرگ‌ترین آفت‌ها برای انسان است، در او نخواهد بود. حب جاه که آخرین صفت ناپسندی است که از قلب صدیقین بیرون می‌رود با خوف الهی درمان می‌گردد. کسی که عظمت الهی را درک کرده و به کوچکی خود اعتراف کند و بداند که گناه عواقب خطرناکی برای انسان دارد، هوس شهرت‌طلبی و جاه‌طلبی از دل او بیرون می‌رود. براین‌اساس بزرگ‌ترین اثر خوف الهی در انسان، اجتناب از آلوده شده به گناه است. البته کسانی که به درجه بالای معرفت رسیده‌اند و محبت الهی در دلشان جای گرفته و شوق رسیدن به لقای الهی در آنها ایجاد شده است، از غیرمحبوب چشم می‌پوشند؛ ولی انسان‌های عادی که به آن درجه معرفت نرسیده‌اند باید تلاش کنند خوف الهی در دلشان تقویت گردد تا به کمک آن، از گناه مصون بمانند (مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۲۸۶).

۵-۳. ایمنی در مقابل شیطان و هوای نفس

بهترین اثر خوف برای انسان، ایمنی در مقابل شیطان است. به هنگام وسوسه شیطان و تلاش او برای زیبا و لذت‌بخش معرفی کردن گناه، ترس از پیامدهای سوء گناه، انسان را از گناه مصون نگه می‌دارد. ترس از عذاب اخروی و ترس از محروم شدن از پاداش اخروی می‌تواند انگیزه خوبی برای گریز از دام شیطان باشد و آنچه برخی در توجیه گناه می‌گویند که رحمت خدا بسیار است و همه را می‌بخشد، یک فریب شیطان است. ادعای امید به رحمت خدا اگر همراه با تلاش مؤثر برای اصلاح امور نباشد، امید واهی است؛ چه

مَقَامِ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» (نازعات: ۴۰-۴۱)؛ و اما آن کسی که از مقام پروردگارش ترسان باشد و خود را از هوای نفس بازدارد، قطعاً جایگاه او بهشت خواهد بود. براین اساس، آنچه در آیات قرآن کریم می‌فرماید که اندازشان کنی، یا نکنی، ایمان نخواهند آورد: «سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (بقره: ۶)؛ به دلیل غیرفعال بودن گرایش فطری، ترس از عذاب آخرت در برخی از کفار بوده است.

۵.۵. اجرای کار خیر و شتاب در آن

دسته‌ای از آیات قرآن کریم بر این نکته تأکید دارند که خوف و خشیت الهی سبب اجرای کار خیر و شتاب در آن می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ الف، ص ۱۷۰). «إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ * الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ * وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ * أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ» (مؤمنون: ۵۷-۶۱)؛ کسانی که از خشیت پروردگار ترسان هستند و کسانی که به آیات پروردگارشان ایمان آورده‌اند و کسانی که شرک نوزند و کسانی که آنچه در توانشان است، در راه خدا می‌بخشند؛ درحالی که دل‌های آنها ترسان است؛ این دسته افراد در کار خیر شتاب می‌کنند و در آن از هم‌دیگر سبقت می‌گیرند.

در این چند آیه سوره «مؤمنون» با تعبیری مثل خشیت و اشفاق و وجل بر بحث خوف الهی اشاره شده است؛ و بر این نکته اشاره دارد که خوف و خشیت از خدا سبب می‌شود انسان در کارهای خیر فعال باشد و در انجام آن شتاب کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ الف، ص ۱۷۱).

۵.۶. نترسیدن از غیر خدا

یکی دیگر از آثار تربیتی بسیار خوبی که محصول خوف الهی است، نترسیدن از غیر خداست. کسی که براساس مقدمات دقیق و درست خداشناختی، خوف الهی در دل او جای گیرد و بداند مالک و مدیر و مدبر عالم خداست و کسی نمی‌تواند بدون اراده الهی کاری انجام دهد و آنچه انسان را به بدترین سرنوشت دچار می‌کند خارج شدن از محدوده رحمت الهی و وارد شدن به محدوده غضب الهی است؛ چنین کسی فقط از خدا می‌ترسد و از غیر خدا ترسی نخواهد داشت و این نیز از آثار تربیتی خوف الهی محسوب می‌شود.

اینکه امید سبب می‌شود انسان تلاشش را برای رسیدن به آن بیشتر کند. امید کاذب به رحمت خدا سبب می‌شود انسان در دام گناه بیافتد (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ ب، ص ۱۶۳). همچنین ترس از خدا سبب می‌شود انسان خواست خدا را بر هوای نفس خود مقدم بدارد.

۵.۴. بهره‌مندی از هدایت الهی و تأثیرپذیری از انذار انبیاء

این همه سفارش به خوف الهی در درون، و تأکید بر زنده داشتن آن، به جهت نقش بسیار مهم خوف در تکامل و رسیدن به طریق هدایت است. خوف، انسان را به راه هدایت رهنمون می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ الف، ص ۱۷۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۲۸۲). از این جهت در آیاتی از قرآن کریم، وجود خشیت الهی (ترس از عظمت الهی و احساس حقارت برای خود) شرط پذیرش دعوت انبیاء و هدایت الهی معرفی شده است: «وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ وَ هَارُونَ الْفُرْقَانَ وَ ضِيَاءً وَ ذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَ هُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ» (انبیاء: ۴۸-۴۹)؛ و همانا به موسی و هارون فرقان و نور و ذکر عطا کردیم، برای هدایت متقین یعنی کسانی که در نهان از خدا می‌ترسند و از قیامت بیمناک هستند.

در آیه دیگری از قرآن کریم، خشیت حاصل شده از شنیدن آیات قرآن مقدمه لزومیه برای هدایت معرفی شده است: «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْكِتَابِ كِتَابًا مُّشَابِهًا مَّثَانِي تَشْجُرُ مِنْهُ جُلُودٌ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُضَلِّلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ» (زمر: ۲۳)؛ خداوند بهترین سخن را نازل کرد؛ کتابی که آیاتش در زیبایی یکی مثل دیگری است و لرزه بر اندام کسانی می‌اندازد که دارای خشیت الهی هستند؛ سپس برون و درون آنها نرم و متوجه خدا می‌شود. این هدایت الهی است که هر کس را بخواهد هدایت می‌کند و هر کس را بخواهد در گمراهی نگه می‌دارد و کسی که خدا او را هدایت نکند، هدایت‌گر نخواهد داشت.

شرط تأثیر انذار انبیاء در مردم، فعلیت گرایش فطری خشیت در آنهاست. این گرایش فطری، انسان را به ترس از گرفتاری‌ها و کیفی‌های آخرت وامی‌دارد و در نتیجه به انذار انبیاء و علمای ربانی گوش می‌دهند و سختی دست کشیدن از خواسته نفس و سختی عمل به تکالیف الهی را به جان می‌خرند؛ چون با گرایش فطری خشیت که در وجود آنها بیدار است، می‌دانند که مخالفت با شیطان و هوای نفس، به فلاح و رستگاری منجر می‌شود: «وَ أَمَّا مَنْ خَافَ

امید به خدا در عمل خود را نشان می‌دهد انسان وقتی به کسی امیدوار باشد و انتظار داشته باشد که او برایش کاری انجام دهد، همواره مواظب خواهد بود رفتاری از او سر نزنند که موجب رنجش خاطرش گردد و همواره به او احترام می‌گذارد و از هرگونه هتک حرمت او خودداری می‌کند و با او از راه دوستی وارد می‌شود، نه دشمنی (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۵).

در صورتی که به این فکر کنیم که امید ما به انسان دیگر، که سبب می‌شود آن قدری در رفتار خود دقت کنیم، قابل مقایسه با امید به خدا نیست که همه چیز دست خداست (همان). از این جهت است که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره: ۲۱۸)؛ کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا جهاد می‌کنند، آنها کسانی هستند که به رحمت پروردگار امیدوار هستند و خداوند آمرزنده و رحیم است.

۱-۶. تلاش موثر

رجا یک حالت روانی است که از علم و معرفت نسبت به مبدأ و معاد حاصل می‌شود و اساس همه تلاش‌های مفید و پربارتر انسان رجاست؛ چه اینکه ناامیدی نسبت به خدا و روز قیامت، منشأ همه فسادها و تبه‌کاری‌هاست (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ج ۱، ص ۴۰۶). اگرچه رجا یک حالت روانی است؛ ولی لوازمی دارد و منشأ صدور کارهایی می‌شود. در یکی از آیات قرآن کریم امید به رحمت الهی را منشأ هجرت و جهاد معرفی کرده است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ» (بقره: ۲۱۸)؛ کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد کردند، اینها به رحمت خدا امیدوار هستند.

در یک روایت، امام صادق علیه السلام رجا را لازمه عمل معرفی کرده است و اگر کسی بگوید به رحمت خدا امیدوارم ولی عمل صالح انجام ندهد، دروغ می‌گوید. «قُلْتُ لَهُ قَوْمٌ يَعْمَلُونَ بِالْمَعْصِيَةِ وَيَقُولُونَ نَرْجُو فَلَا يَزَالُونَ كَذَلِكَ حَتَّى يَأْتِيَهُمُ الْمَوْتُ فَقَالَ هُوَ لِقَوْمٍ يَتَرَجَّحُونَ فِي الْأَمَانِيِّ كَذَّبُوا لَيْسُوا بِرَاجِعِينَ مَنْ رَجَا شَيْئًا طَلَبَهُ وَمَنْ خَافَ مِنْ شَيْءٍ هَرَبَ مِنْهُ» (طبرسی، ۱۳۴۴، ص ۱۱۷)؛ راوی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم که عده‌ای هستند گناه می‌کنند و می‌گویند به رحمت خدا امیدواریم و همین‌طور هستند تا اینکه مرگ آنها فرا می‌رسد؛ فرمودند

دسته‌ای از آیات بر این نکته تأکید دارند که فقط خداوند شایسته ترسیدن است (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ الف، ص ۱۷۱).

«وَوَيْحٌ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ» (احزاب: ۳۷)؛ و از مردم می‌ترسیدی درحالی که خداوند شایسته ترسیدن است. «الَّذِينَ يُلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» (احزاب: ۳۹)؛ انبیای پیشین کسانی بودند که رسالت‌های الهی را تبلیغ می‌کردند و از غیر خدا نمی‌ترسیدند.

۵-۷. عبرت‌آموزی از حوادث

یکی دیگر از آثار خوف الهی، عبرت‌آموزی از حوادث است. در برخی از آیات قرآن کریم خشیت الهی را سبب عبرت‌آموزی معرفی کرده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ الف، ص ۱۷۳). «فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى * إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى» (نازعات: ۲۵-۲۶)؛ پس خداوند او را به عذاب آخرت و دنیا دچار کرد در این عبرتی است برای کسی که از خدا بترسد.

۶. رجا و آثار تربیتی آن

وقتی انسان یقین کند یا احتمال دهد که در آینده نعمتی نصیب او خواهد شد که از آن لذت می‌برد، احساس خوب و حالت مطلوبی در او ایجاد می‌شود که آن را رجا یا امید می‌نامیم (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ج ۱، ص ۳۹۹). همان‌طور که ترس از خدا آثار تربیتی فراوانی دارد، امید به رحمت خدا نیز آثار مثبت زیادی دارد. این امید است که انسان را به حرکت وامی‌دارد و شوق و نشاط در انسان ایجاد می‌کند.

وقتی انسان به این نکته توجه پیدا کند که در آینده نعمتی نصیب او خواهد شد که از لذت آن نعمت بهره مند می‌شود، از این تصور ذهنی، یک احساس خوب در او ایجاد می‌شود و از این جهت رجا دارای دو بخش است؛ یکی توجه به آینده و دیگری احساس خوبی که به انسان دست می‌دهد. رجا در قرآن کریم گاهی به خدا نسبت داده شده و گاهی به رحمت خدا و گاهی به روز قیامت؛ از این جهت قیامت روزی است که رحمت الهی ابدی در آن روز نصیب انسان می‌شود: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب: ۲۱)؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا الگوی نیکویی وجود دارد و برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ الف، ص ۱۷۲).

و بت‌پرستی و گناه را به آنها گوشزد می‌کردند تا بلکه بترسند و از کارهای بد خود دست بکشند و ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند (مصباح یزدی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۲).

البته خوف و رجا دو دارو هستند که باید در جای خود مصرف شوند. کسی که خوف او بیشتر از رجاست باید برای او از داروی رجا استفاده شود، تا به اعتدال در خوف و رجا برگردد و کسی که رجای او بیشتر است، باید برای او از داروی خوف استفاده شود تا به اعتدال گردد؛ که آثار مثبت خوف و رجا در اعتدال آن دو است (فیض کاشانی، ۱۳۷۶، ج ۷، ص ۲۵۶).

۶-۴. لزوم اعتدال در خوف و رجا

خوف و رجا هر دو امر وجودی هستند و یکی به معنای نفی دیگری نیست. نقطه مقابل خوف از خدا، ایمنی از مکر الهی، و نقطه مقابل رجا به رحمت الهی، یأس و نومیدی از رحمت الهی است. ایمنی از مکر خدا و یأس از رحمت الهی از بزرگ‌ترین گناهان به‌شمار می‌روند.

اگرچه خوف و رجا مقابل هم (متناقضین) نیستند که وجود یکی مستلزم نفی دیگری باشد؛ اما در یکدیگر تأثیر دارند، مثلاً کسی که خوف در او از حالت اعتدال فراتر رود، رجای او کمتر می‌شود؛ چنانچه اگر کسی رجای او بیشتر از حد اعتدال باشد، حالت خوف در او جای خود را به ایمنی از مکر خدا و تجری به خدا می‌دهد و نسبت به هر گناهی جرئت پیدا می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ج ۲، ص ۳۵۹). از این جهت است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أُرْجُ اللَّهُ رَجَاءً لَا يُجْرَتَكَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ وَ خَفَّ اللَّهُ خَوْفًا لَا يُؤْيِسُكَ مِنْ رَحْمَتِهِ» (طبرسی، ۱۳۴۴، ص ۱۱۸)؛ به خدا امیدوار باش؛ امیدوی که تو را به گناه نکشاند و از خدا بترس؛ ترسی که تو را از رحمت خدا مایوس نکند. در روایت دیگری می‌فرماید: «لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ فِي قَلْبِهِ نُورَانُ نُورٌ خَيْفَةٌ وَ نُورٌ رَجَاءٌ لَوْ وُزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا وَ لَوْ وُزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۶۷)؛ عبد مؤمنی نیست، مگر اینکه در قلب او دو نور است؛ نور خوف و نور رجا که اگر وزن شود، یکی نسبت به دیگری سنگین نخواهد بود و هر دو در یک حد هستند.

نقطه مقابل خوف از خدا این است که کسی خود را ایمن از عذاب الهی بداند که علت آن رجای افراطی و غیرمعمول به رحمت الهی یا ضعف در خداشناسی است؛ که اساساً خدا را مخلوع ید از عذاب دانسته و ترسی از خدا ندارند. آیت‌الله مصباح یزدی یکی از

این دسته افراد در آرزو زندگی می‌کنند و دروغ می‌گویند امیدوار به رحمت خدا نیستند؛ اگر کسی امیدوار به چیزی باشد به طلب آن می‌رود و هرکسی از چیزی بترسد، از آن فرار می‌کند.

۶-۲. شوق عمل صالح

اینکه انسان دست به عمل صالح بزند و هرچند سخت و طاقت‌فرسا باشد، سختی آن را به جان بخرد، نیاز به یک انگیزه متعالی دارد. رجا و امیدواری به رحمت الهی چنان شوقی در انسان ایجاد می‌کند که از عمل صالح خسته نشده و در انجام آن تسریع می‌کند. در آیات قرآن کریم، امید به رحمت الهی ملازم با عمل صالح معرفی شده است: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف: ۱۱۰)؛ هرکسی امیدوار به رحمت خداوند است، پس باید عمل صالح انجام دهد و هیچ‌کس را در عبادت او شریک نکند. براین اساس می‌توان گفت نشانه بارز امید به رحمت الهی انجام عمل صالح و شرک نوزیدن است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ج ۱، ص ۳۵۱).

۶-۳. توبه و بازگشت

طبق آیات قرآن کریم، کسانی موفق به توبه می‌شوند که امیدوار به رحمت الهی باشند و از این جهت کسانی که از رحمت خدا مایوس می‌شوند، روی به توبه نمی‌آورند. خداوند متعال در قرآن کریم به کسانی که در گناه افراط کرده‌اند نیز اعلام می‌کند که توباب و توبه‌پذیر است و در صورت توبه، خداوند توبه آنها را می‌پذیرد: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» (زمر: ۵۳)؛ بگو ای بندگان من که در گناه زیاده‌روی کرده‌اید، از رحمت خدا مایوس نشوید که خدا همه گناهان را می‌بخشد. براین اساس اگر ناامید از رحمت خدا، به رحمت خدا امیدوار شد به توبه گرایش پیدا می‌کند و با توبه و جبران گذشته روی به عمل صالح بیاورد و به سمت سعادت قدم بردارد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۸).

همچنین اگر کسی به رحمت خدا امیدوار باشد، سختی‌ها برای او هموار می‌شود و از بحران‌های روحی در امان می‌ماند و با انجام عمل صالح به سمت سعادت حرکت می‌کند.

پیامبران الهی همواره درصدد بودند مقدمات خوف و رجا را در مردم ایجاد کنند و به اصطلاح انذار و تبشیر می‌کردند، عواقب شرک

جاه‌طلبی، ایمنی در مقابل شیطان و هوای نفس، بهره‌مندی از هدایت الهی، اجرای کار خیر و شتاب در آن، عبرت‌آموزی از حوادث. برخی از آثار تربیتی رجا عبارتند از: تلاش مؤثر، شوق عمل صالح و توبه و بازگشت.

تأکید در اسلام بر اعتدال خوف و رجاست تا ضمن آثار تربیتی مثبت، اثر مخربی در انسان ایجاد نشود.

مهم‌ترین دلایل ایمن دانستن خود از عذاب خدا را مغرور شدن به یک یا چند عمل صالح معرفی کرده است و می‌گوید انسان اگر تمام عمر خود را نیز عبادت کند، باز هم نباید از عاقبت کار خود مطمئن گردد و باید همواره خائف باشد و توجه داشته باشد که اگر خدا یک لحظه او را به حال خود واگذار کند، به پایین‌ترین درجات سقوط می‌کند. براین اساس مقربان درگاه الهی و انبیاء و علما ترسشان از خدا بیشتر است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶). اینکه ترس اولیای الهی از خداوند از بقیه بیشتر است به دلیل خودشناسی و خداشناسی کامل آنهاست؛ یعنی هم خود را می‌شناسند که در مقابل خداوند چه قدر ضعیف و ذلیل هستند؛ و هم خدا را خوب می‌شناسند که عظمت و مقام او با انسان‌ها قابل مقایسه نیست.

نکته دیگر اینکه انسان موجودی مختار است و خودش می‌تواند آینده خود را تعیین کند، عمل صالح انجام دهد به فلاح و رستگاری برسد؛ یا گناه کند به شقاوت و بدبختی دچار شود. در این میان تنها دستاویز انسان، رحمت و مغفرت الهی است؛ یعنی امیدوار است خداوند او را از دچار شدن به سرنوشتی که خود تعیین کرده، مانع شود؛ ولی مشکل این است که گاهی پرونده یک فرد چنان خراب است که نه تنها مشمول شرایط رحمت و مغفرت نمی‌شود؛ بلکه عذاب الهی در کمین او خواهد بود. پس تنها راه نجات، خوف از خدا به صورت اعتدالی و رجای به رحمت خدا به صورت اعتدالی است، تا ثمره خوف و رجا در عمل برای او ظاهر شود.

نتیجه‌گیری

خوف و رجا جایگاه بی‌بدیل در تربیت دینی انسان‌ها دارند و اگر هر کدام از خوف و رجا در انسان نباشد، یا آن دو در حد اعتدال نباشند؛ در مسیر کمال انسان موانعی ایجاد می‌شود. یافته‌های تحقیق به صورت زیر است:

خوف و رجا ریشه در فطرت انسان دارند و فطرت بیدار، انسان را به خدا ترسی سوق می‌دهد.

انسان به صورت طبیعی جلب منفعت را دوست دارد و از ضرر متنفر است و اگر جهان‌بینی درست در انسان شکل بگیرد، ترس از خدا و امید به رحمت الهی در او شکل خواهد گرفت و از آثار مثبت آن دو بهره‌مند خواهد شد.

برخی از آثار تربیتی خوف عبارتند از: حصول تقوا، ترک

.....منابع

_____، ۱۳۹۴ الف، *اخلاق در قرآن*، چ هشتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۴ ب، *پندهای الهی*، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۶، *ره توشه*، چ هفتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱.

_____، ۱۳۹۹، *انسان‌شناسی در قرآن*، چ هفتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ ق، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چ سوم، بیروت، دار الکتب العلمیه.

نراقی، مهدی، بی تا، *جامع السعادات*، چ چهارم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

_____، ۱۳۹۴ ق، *تصحیح صبحی صالح*، قم، هجرت.

ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دار صادر.

احمری، حسین و مریم غلامحسین نژاد، ۱۳۹۴، «تأثیر امیدواری به خدا در سعادت دنیوی و اخروی فرد و عوامل دستیابی به آن»، *بصیرت و تربیت اسلامی*، ش ۳۳، ص ۷۴-۵۵.

بستانی، فواد افرام، ۱۳۷۵، *فرهنگ ابجدی*، چ دوم، تهران، اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *تفسیر تسنیم*، چ هشتم، قم، اسراء.

حملاوی، احمد، ۱۳۱۲ ق، *شفا العرف فی فن الصرف*، بیروت، المكتبة العصریه.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالعلم.

رستمی، عباسعلی و همکاران، ۱۴۰۰، «بررسی آثار تربیتی خوف و رجا از دیدگاه اسلام با تأکید بر قرآن کریم»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ش ۶۲، ص ۳۵-۷۷.

زبیدی، محمدمرتضی، ۱۴۱۴ ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الفکر.

طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۴۴، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، چ دوم، نجف، المكتبة الحیدریه.

طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، چ سوم، تهران، مرتضوی.

فخررازی، محمدبن عمر، ۱۴۰۷ ق، *المطالب العالیة من العلم الإلهی*، بیروت، دار الكتاب العربی.

فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۳۷۶، *المحجة البیضاء فی تهذیب الإحیاء*، چ چهارم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

قرشی، باقرشریف، ۱۳۷۸، *النظام التربوی فی الإسلام*، قم، دار الكتاب الاسلامی.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، چ چهارم، قم، دار الکتب الاسلامیه.

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۲، *بردگاہ دوست*، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۸۳، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، چ چهارم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.

_____، ۱۳۸۸، *تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۰ الف، *آیین پرواز*، چ هفتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۰ ب، *سجاده‌های سلوک*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۲، *بهترین‌ها و بدترین‌ها از دیدگاه نهج البلاغه*، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۳ الف، *انسان‌سازی در قرآن*، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۳ ب، *جرعه‌ای از دریای نور*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۴ الف، *اخلاق در قرآن*، چ هشتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۴ ب، *پندهای الهی*، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۶، *ره توشه*، چ هفتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱.

_____، ۱۳۹۹، *انسان‌شناسی در قرآن*، چ هفتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ ق، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چ سوم، بیروت، دار الکتب العلمیه.

نراقی، مهدی، بی تا، *جامع السعادات*، چ چهارم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

_____، ۱۳۹۴ ق، *تصحیح صبحی صالح*، قم، هجرت.

ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دار صادر.

احمری، حسین و مریم غلامحسین نژاد، ۱۳۹۴، «تأثیر امیدواری به خدا در سعادت دنیوی و اخروی فرد و عوامل دستیابی به آن»، *بصیرت و تربیت اسلامی*، ش ۳۳، ص ۷۴-۵۵.

بستانی، فواد افرام، ۱۳۷۵، *فرهنگ ابجدی*، چ دوم، تهران، اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *تفسیر تسنیم*، چ هشتم، قم، اسراء.

حملاوی، احمد، ۱۳۱۲ ق، *شفا العرف فی فن الصرف*، بیروت، المكتبة العصریه.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالعلم.

رستمی، عباسعلی و همکاران، ۱۴۰۰، «بررسی آثار تربیتی خوف و رجا از دیدگاه اسلام با تأکید بر قرآن کریم»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ش ۶۲، ص ۳۵-۷۷.

زبیدی، محمدمرتضی، ۱۴۱۴ ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الفکر.

طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۴۴، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، چ دوم، نجف، المكتبة الحیدریه.

طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، چ سوم، تهران، مرتضوی.

فخررازی، محمدبن عمر، ۱۴۰۷ ق، *المطالب العالیة من العلم الإلهی*، بیروت، دار الكتاب العربی.

فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۳۷۶، *المحجة البیضاء فی تهذیب الإحیاء*، چ چهارم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

قرشی، باقرشریف، ۱۳۷۸، *النظام التربوی فی الإسلام*، قم، دار الكتاب الاسلامی.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، چ چهارم، قم، دار الکتب الاسلامیه.

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۲، *بردگاہ دوست*، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۸۳، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، چ چهارم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.

_____، ۱۳۸۸، *تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۰ الف، *آیین پرواز*، چ هفتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۰ ب، *سجاده‌های سلوک*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۲، *بهترین‌ها و بدترین‌ها از دیدگاه نهج البلاغه*، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۳ الف، *انسان‌سازی در قرآن*، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۳ ب، *جرعه‌ای از دریای نور*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.